

اسرائیلی به نقطه دیگری منتقل شده و گروه پاکسازی با ریختن بنزین بر روی خودروها، هر دوی آن‌ها را به آتش کشیدند. در این درگیری، سه نظامی اسرائیلی نیز به هلاکت رسیدند. عماد مغنیه به عنوان فرمانده عملیات، در چند متری صحنه حضور داشته و نیروهایش را هدایت می‌کرد. از تمام مراحل عملیات به صورت کامل تصویر برداری شد. این عملیات که «وعده صادق» نام‌گذاری شد، بهانه‌ای برای آغاز جنگ از طرف اسرائیل شد. در واکنش به این عملیات، اسرائیل مناطق «رامیه»، «رمیش»، «پارون»، «رشاف» و «السلطانیه» را موشک‌باران کرد تا مانع از عقب‌نشینی عناصر شرکت کننده در این عملیات شود. جنگنده‌های اسرائیلی تمامی پل‌های اصلی ارتباطی با جنوب را نیز موشک‌باران کردند. هم‌چنین مناطق مختلفی از شهرهای لبنان هدف حملات موشکی شدید جنگنده‌ها و توپخانه‌های اسرائیلی قرار گرفتند.^۱ در واکنش به این حملات، نیروهای مقاومت تعدادی از شهرک‌های صهیونیستی و دو سکوی توپخانه‌ای اسرائیل را در مناطق اشغالی «جولان» و «زغوره» و «عمفیت» مورد هدف موشک‌های کاتیوشای خود قرار دادند.

سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان طی سخنرانی در مسجد «امامین حسنین» در منطقه «حاره» تأکید کرد که هیچ گزینه‌ای برای بازگرداندن اسرای اسرائیلی جز مذاکره غیرمستقیم و تبادل اسرا وجود ندارد. او گفت: «ما برای آتش‌بس آماده‌ایم، ولی اگر آن‌ها مقابل را انتخاب کنند، ما برای جنگ آماده‌ایم. در این صورت آن‌ها باید خود را برای غافلگیری‌های بزرگ آماده کنند.» (محمدیاسرجی)

این عملیات، چهار عملیات بود نه یک عملیات؛ چهار عملیات مجزای ویژه بود. یکی، اصل طراحی این عملیات بود؛ دوم موقع و زمان حمله بود؛ سوم، عبور از سیم‌خارده‌های خیلی متراکم و بلند و وسیع رژیم صهیونیستی و رسیدن به محل عملیات بود؛ چون عملیات فقط زدن نبود که انهدامی صورت بگیرد، باید عبور هم صورت می‌گرفت و می‌رفت آن طرف و اسرا را می‌آورد. لذا هر مأموریتی باید با دقتی صورت می‌گرفت که نفرات داخل نفربر

۱. در طول جنگ ۳۳ در حالی که اسرائیل به صورت دیوانه‌وار به مواضع حزب‌الله حمله می‌کرد و هر آن‌چه که در جاده‌های لبنان در حال حرکت بود را مورد حمله موشکی قرار می‌داد، تنها صدویست نفر از نیروهای حزب‌الله به شهادت رسیدند که از این تعداد، فقط پنج نفر در حین رفت و آمد شهید شده و بقیه در نبرد رو در رو به شهادت رسیدند.

کشته نشوند. چهارم هم این‌که باید به سرعت انجام می‌شد و این سرعت به ربع ساعت و نیم ساعت نبود، بلکه به دقیق و ثانیه‌ها بود. باید به سرعت اسرا را به نقطه امن می‌بردند قبل از این‌که دشمن برسد. معمولاً فاصله دشمن با نقطه عملیات در رویارویی زمینی چند دقیقه است، در نبرد هوایی که خیلی سریع‌تر است و دشمن سریع می‌رسد. لذا قبل از عملیات با دقت مورد بررسی قرار گرفت.

یکی از ویژگی‌های عماد مغنیه توجهش به ظرافت‌ها و ریزه‌کاری‌های دقیق بود. لذا او چون عموماً خودش از نزدیک مدیریت می‌کرد، طراحی هم به عهده خودش بود، اجرا هم به عهده خودش بود؛ و عماد موفق شد. عماد مغنیه همان‌طور که اداره خیلی از صحنه‌های سخت را بر عهده داشت، مدیریت این عملیات ویژه را هم عهده‌دار بود و خودش از نزدیک نظارت و مدیریت کرد. عملیات او موفق شد و توانست در داخل سرزمین فلسطین اشغالی، یک ماشین نظامی رژیم صهیونیستی را مورد حمله قرار بدهد و دو نفر را از داخل آن که زخمی شده بودند، به اسارت بگیرد.

هر اقدامی که حزب‌الله می‌خواهد انجام بدهد، قبل از آن، ابتدا تمهیدات امنیتی را انجام می‌دهد و بعد اقدام می‌کند. آمادگی حزب‌الله مثل دیگر آمادگی‌ها نیست که مثلاً اول، آمادگی زرد اعلام می‌کنند، بعد آمادگی قرمز؛ یا مثلاً ابتدا آمادگی سی درصد، بعد هفتاد درصد و در نهایت صد درصد؛ نه، حزب‌الله پیوسته در یک آمادگی صددرصد به سر می‌برد. آن روز هم در آمادگی صددرصد بود، امروز هم در آمادگی صددرصد است؛ منتها کیفیت این آمادگی به دلیل امکانات، در هر دوره‌ای متفاوت است. لذا حزب‌الله وقتی تصمیم به اجرای عملیات اسیر گرفتن این دو سرباز رژیم صهیونیستی برای آن مبادله مهم و سرنوشت‌ساز گرفت، اول یک آمادگی در خودش ایجاد کرد. این آمادگی دارای دو وضعیت بود: آمادگی در مقابله و آمادگی در کاهش خسارت. (حاج قاسم سلیمانی)

پس از این‌که چریک‌های حزب‌الله دو سرباز در حال گشت‌زنی در مرز شمالی اسرائیل بودند را ربودند، این از نظر اسرائیلی‌ها موضوعی از حد گذشته بود و «ایهود اولمرت» (جانشین شارون که سخته کرده بود) به همکاران خود گفت: «یک بار برای همیشه باید ضربه‌ای جدی به حزب‌الله وارد شود.» آریل شارون هرگز در اعمال زور تردید به خود راه نمی‌داد، اما او نسبت به قابلیت IDF در جنگ علیه چریک‌های حزب‌الله تردید داشت. اولمرت فریب

اظهارات سپهد «دن هالوتز» رئیس ستاد کل را خورد که مطمئن بود بدون به خطر انداختن نیروهای زمینی اسرائیل می‌تواند با نیروی هوایی، حزب‌الله را شکست دهد. او اعتقاد داشت بمباران جنگنده‌های نیروی هوایی می‌تواند قابلیت این سازمان را برای حمله به اسرائیل از بین ببرد. این خطایی مهلک بود که هزینه زیادی برای اسرائیل ایجاد کرد و به دوران خدمت نظامی هالوتز پایان داد.

اگرچه بمباران هوایی مواضع حزب‌الله توسط اسرائیل آسیب قابل توجهی ایجاد کرد، اما انبارها، سکوها، پرتاب موشک و سیستم‌های ارتباطی پنهان این سازمان همچنان مؤثر باقی ماند. اسرائیل در مورد تشکیلات مذکور که تحت نظارت حسان اللقیس و با دستور عماد مغنیه ایجاد شده و تجهیزات پیشرفته فراهم شده از ایران و سوریه را استفاده می‌کرد، اطلاع چندانی نداشت. راکت‌های حزب‌الله به طور مداوم بر شمال اسرائیل فرود می‌آمد. سرانجام IDF در ۲۹ ژوئیه حمله زمینی بی‌نتیجه‌ای را آغاز کرد. این حمله باعث نابودی بعضی از مواضع حزب‌الله شد، اما IDF نیز قبل از این‌که دو هفته بعد با شمرساری عقب‌نشینی کند، تلفات سنگینی متحمل شد.

کل این کمپین که در اسرائیل به «جنگ دوم لبنان» معروف است، شکست تحقیرآمیزی بود که تقریباً به هیچ یک از اهداف خود نیز نرسید. قوی‌ترین نیروی نظامی خاورمیانه در عرض شش سال دو بار مغلوب همان نیروی چریکی شده بود. مثلاً داگان گفت: «این امر شبیه ارتش ویتنام شمالی بعد از حمله‌یت بود. اگرچه آن حمله با شکست مواجه شد و آن‌ها تلفات سنگینی دادند، اما در جنگ پیروز شدند.» (روبن برگمن)

جنگ ۳۳ روزه همه‌اش کار حاج عماد بود. در این جنگ او با برنامه‌ریزی خیلی قوی می‌دانست چه می‌خواهد بکند، چرا که می‌دانست اسرائیل چه کار خواهد کرد. او از قبلش تصمیم گرفته بود که چگونه دفاع کند. همه چیز برای این جنگ طراحی شده بود. به بچه‌های حزب‌الله آموزش داده شده بود که چطور در سنگرهایی به اندازه یک قبر تا چهل و هشت ساعت بخوابند و روی‌شان را هم بپوشانند. آن‌ها ساعت‌ها داخل این حفره‌ها کمین می‌کردند و وقتی اسرائیلی‌ها از روی‌شان رد می‌شدند، ناگهان بیرون آمده و ضربه می‌زدند. طرف اسرائیلی با تعجب می‌گفت: «من این‌جا را با تانک و نفربر پاکسازی کردم و رفتم! این‌ها چطوری از پشتم درآمدند؟»

معمار تمام این‌ها حاج عماد است. او یک